



حداخرافی سایبرگوٹیک

سے سے آریو (واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک)

سی سی آریو

واحد پژوهش فرهنگ سایبرنتیک

حداخرافه‌ی سایبرگوتیک

دور تند به جلو تا قدیمی‌ها

آیریس کارور (۱۹۹۸)

ترجمه سدنای پرنی

asabsanj.com

فضای سایبر را مثل یک آینده سیاه در نظر بگیر. این جا زمان پس و پیش می رود: با آن برخورد داشته باش و بین که به عقب سفر می کنی. در این حین که تجارت از راه دور ما را درون شبکه شتاب می دهد، به نظر می رسد چیزهایی با قدمتی بسیار ژرف تر برمی خیزند و بازگشتشان را شروع می کنند.

سایبرگوته‌ها^۱ این طور می گویند.

سایبرگوتیک به صورت شبکه‌ای از شایعه‌ی شوم وجود دارد و مرتباً به هزارتوی زیرزمینی نرمی که «رمز^۲» می خواند سرک می کشد. سایبرگوتیک، دفن شده در اعماق رسوب اولیه‌ی سلسله‌اطلاعات و پیچیده در مه خزنده‌ی استتار دیجیتالی، به راحتی پیدا نمی شود ولی سرخ‌هایی برایش وجود دارند.

نوآوری‌های صحنه‌ی طرف‌تاریک زیرین جنگل^۳ در اواخر دهه‌ی نود^۴ رمز («ما نه یک باند، که یک دسته‌ایم») را به عنوان ماشین صوتی لذبوخون‌آشامی میکس به یاد می آورد که پیرامون ژیل اسلیتز و ژان ترافیکس بنا شد. سی‌دی نازندگی ۱۹۹۷ آن‌ها – یک یورش مرگ‌آور از رانش‌های تیک‌تاکی گردبادی و بم‌های مگاکین – لحن را برای موجی از تولید چندریتمی «پساموسیقی» و الکترومرگ‌سان، برای پانک‌نیهیلیسم ارتقایافته به یک آینده‌ی نانوی خالی از فن‌آوری، تنظیم کرد.

اسلیتز اعلام کرد که «این یک چیز جهش‌یافته در زمستان^۴ است. ما اساساً یک کابوس‌ایم...»

حادثه‌ها بازنمایی نیستند، نه اطلاعات دروغین‌اند نه اسطوره‌شناسی.

نیرنگ^۵، نیرنگ‌زدن، و حادثکثیر به زنجیره‌ای از قصه‌ی سایبرنتیک با پیچ‌وتاب زمانی‌اش تعلق دارند که نمی‌تواند درست یا غلط قضاوت شود چون خودش را واقعی می‌کند. بین مناطق زیرین فضای سایبر تور بیانداز و بین که تاثیر رمز پیداست.

1 cybergoth

۲. crypt: هم به معنی رمز است، هم به معنی سردابه و دخمه، یا محل قبور. م.

3 Darkside Catajungle

۴. wintermutant، کلمه‌ی wintermute نام یکی از کاراکترهای رمان نرومانسر (۱۹۸۴) ویلیام گیبنس است که با پروتاگونیسست اثر یعنی نرومانسر تلفیق می‌شود تا یک ابرهوش مصنوعی بسازد. در این جا می‌تواند هم جهش در زمستان باشد و هم بابت بولدبودن کلمه‌اش اشاره‌ای به وینترمیوت که تحت‌اللفظی با زمستان گنگ یا گنگی زمستانی معادل است. م.

5 hype

نازندگی دارد پخش می‌شود و همراهش مضامین بدیمن گسست زمانی، مرگ حرارتی اجتماعی، طاعون فرهنگی سنتزی، اعتیاد به مخدرهای مصنوعی، فرورفتن در کما و زباله‌گردی در قبرهای یخ‌بسته، عقب‌گرد غیرمیوزی^۱ یا باکتریایی جنسی، رفتارهای غول‌محور، فاجعه‌ی نخاعی و تغییر بدن نوپوست‌فلسی مربوط به آخرالزمان آبی... اتصالات تکثیرشونده با «تمام آن پلیدی‌های وحشتناک، لجن‌آلود و شاخک‌دار ناشی از خارج...»

فرهنگ کارگوئی سایبرگوتیک از دل چیزهایی که از آینده به اکنون می‌افتند خودش را به هم وصله می‌زند، آن‌ها را برای شدت‌های کهنی که به صورت حادخرافه تکثیر شده‌اند آدم‌خوارانه می‌کند. به چیزی باور ندارد «اما همان اوتانل^۲ است به‌عنوان شالوده‌ی همه‌چیز، و دروغ‌ها کیفیت‌هایی خیالی‌اند...»

برای مثال بتوک^۴ را در نظر بگیرید. آشکارا سرهم شده است. با این حال چه مؤثر ریشه‌کن‌نشدن نشان می‌دهد و در کهن‌ترین زیرلایه‌های سیستم‌های قابل‌برنامه‌ریزی و نصب‌شده کمین می‌کند: بقایای نرم عصر کارت پانچ^۵، رونوشت‌شده با بی‌فکری و رمزنویسی‌شده در کدهای چندزبانه‌ی فراموش‌شده.

چیزی قرار است روی دهد و می‌دانیم دقیقاً کی.

خواه «موجودیت» در شرف Y2K نامیده شود خواه Yettuk, K-Yeti, You-Took, Yet-Tick یا Yatka، سایبرگوت‌ها با آن به‌عنوان الکتروشب‌حی حساس به زمان (ابری با دو قانون)، مقارن با خطای مضاعف زمان صفر که هزاره را به لرزه درمی‌آورد، برهم‌کنش دارند.

-
۱. meiosis؛ ameiotic یا میوز یا «تقسیم کاهشی» در زیست‌شناسی یعنی تغییرات متناوب هسته‌ی سلول در جهت تولید سلول تازه. م.
 ۲. cargo-culture؛ به فرقه‌های کارگو هم معروف‌اند، مربوط به ادیان بارپرستی یا دین محموله‌ها در ملائزی و گینه‌نو. بومیان این مناطق کالاهای سفیدپوستان استعمارگر را محموله‌هایی از طرف نیاکان خود می‌دانستند. بارها برای آن‌ها منشایی فراطبیعی و غیرزمینی داشت. م.
 ۳. Uttunul؛ نام یک دیو در آثار سی‌سی‌آریو؛ مگاکی در حال غلبان یا قل‌قل؛ گره‌ی خنثی؛ بدون تونالیت؛ او اقیانوس آهنی (پلوتونیک) را درمی‌نوردد و جریان‌های پیچ‌وتاب‌خورنده را تغذیه می‌کند؛ به دروازه‌ی نهم رفت‌وآمد دارد؛ اساساً plex یا پیچ‌وتاب منطقی‌ی خاص اوتانل است. مارک فیشر در وبلاگش کی‌پانک این‌طور تعریفش می‌کند: «موجودیت خط‌صاف، مرده، اشاره‌ای به پیوستار، شدت صفر، موجودیت مگاکین، امانه به‌عنوان زمان تا بی‌نهایت بسط‌یافته، بلکه یک‌جور نه‌زمان. ترکیبی از eternal (ابدی)، utter (هم‌گفتار و هم‌امر مطلق)، و null (خنثی، خالی). اوتانل ترسناک‌ترین تمام لمورهاست. بخش یک اخلاق اسپینوزا دقیق‌ترین توصیف فلسفی منتشرشده تا به امروز از اوتانل است». م.
 ۴. Yettuk؛ از دیوهای لموری؛ معادل با اغتشاش Y2K یا گسست پیوستار تقویمی. م.
 ۵. punch card؛ کارت منگنه، کارت سوراخ‌شده، روش قدیمی ورود اطلاعات، داده‌ها، و برنامه‌ها به کامپیوترها و وسایل الکترونیک. م.

سایبرگوتیک دارد خودش را برای جنگ زمان آتی آماده می‌کند و بینابین عارف‌های مختلف بیگانه با تقویم، اغتشاشگرهای ضدگریگوریایی، و چریک‌های تقویمی ساکن در دخمه‌های اطلاعاتی آمدوشد دارد.

بیرون، ورای شکاف یتتوک، خرده‌فرهنگ‌های لجام‌گسیخته با قرارملاقات سایبری‌شان در سرتاسر قاره‌های مغروق فضای شبکه پخش می‌شوند.

انبوه‌های دیوصفت دارند درون رمز/سردابه متراکم می‌شوند.